

## «بررسی نقش عوامل فردی و اجتماعی زنان در امنیت آنان در مقابل

### آزارهای جنسی در فضای شهری ( مطالعه موردی شهر یاسوج )»

مسلم نراقی منش<sup>۱</sup>

#### چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی نقش عوامل فردی و اجتماعی زنان در امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری می‌باشد. این پژوهش از نوع پیمایشی بوده و از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده‌است. در چارچوب نظری این تحقیق، از دیدگاه اندیشمندانی همچون باری بوزان، مولار، گیدنز، میتار و رفیع‌پور استفاده شده‌است. جامعه آماری این تحقیق زنان بالای ۱۵ سال شهر یاسوج بوده‌است. تعداد جامعه آماری این تحقیق ۷۵۰۰ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۰۰ نفر نمونه به دست آمده‌است. روشش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و پایایی تحقیق ۸۱٫۶ درصد می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده، برای آمار استنباطی از آماره‌های گاما، ضریب همبستگی اسپیرمن، F آنووا و t استفاده شده‌است. ضریب رگرسیونی تحقیق، از روش ضریب رگرسیونی گام به گام بوده که میزان این ضریب  $R^2 = ۰.۹۰$  می‌باشد. در این تحقیق علاوه بر فرضیه اصلی از پنج فرضیه فرعی استفاده شده‌است که همه این فرضیات مورد تأیید قرار گرفته‌است. در این میان بیشترین تأثیر را فرضیه آرایش کردن با ضریب همبستگی ۰٫۵۶۱ درصد می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** امنیت، امنیت اجتماعی، امنیت فردی، آزارهای جنسی، فضای شهری

## مقدمه و بیان مسأله

امروزه امنیت از شاخصه‌های کیفی زندگی در شهرهاست. آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای مختلف امنیت به شمار می‌روند. از آنجا که فضاهای شهری امروزی، مؤلفه‌ای برای وقوع نابهنجاری‌های شهری و در نتیجه، عدم وقوع امنیت در شهر می‌باشد، بررسی جنبه‌های کیفی و کمی امنیت، چه از لحاظ کالبدی و چه از لحاظ اجتماعی، در داخل هر یک از فضاهای شهری امری ضروری است. اهمیت محوری امنیت و ایمنی در هر یک از فضاها و عناصر کالبدی شهری، به خصوص در فضاهایی با طراحی و کاربرد نامناسب، باید بررسی شود. این موضوع در فرهنگ بومی و قومی هر منطقه و محل ریشه‌یابی شده و راهکارهای مناسب ارائه گردد. شهرها که حجم وسیعی از جمعیت شهری را در خود جای می‌دهند، اماکنی بالقوه و مستعد ایجاد رعب و آسیب‌پذیری هستند؛ زیرا شهرها نظام‌های پیچیده با اجزاء درونی بسیار مرتبط با هم دارند. تحولات دهه‌های اخیر سبب شده تا امکانات جدید شهرهای امروز مانند گذشته قادر به تأمین آرامش و امنیت شهروندان نباشد (گلی، ۱۳۹۴: ۹۸). باری بوزان امنیت اجتماعی را قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول می‌داند. در واقع باری بوزان امنیت اجتماعی را به حفظ ارزش‌ها و هویت گروهی تقلیل می‌دهد و امنیت اجتماعی را به چگونگی حفظ و دفاع ارزش‌ها و هویت‌ها می‌داند (میرزایی، ۱۳۹۰: ۸۲).

پدیده احساس امنیت در اندیشه و تفکر افراد جامعه متفاوت است و عامل جنسیت نیز از این مفهوم برداشت مختلفی دارد. مفهوم امنیت ضمن تفاوت در زنان و مردان، عامل محیطی نیز در برداشت این مفهوم در زنان اثربخش است. نظر به اینکه زنان نسبت به مردان در مقابله با پدیده‌های اجتماعی و آسیب‌های امنیتی و هرگونه کج‌رفتاری در فضا و محیط جامعه، زمینه آسیب‌پذیری بیشتری دارند، همچنین در مقابله با عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی به مقوله احساس امنیت واکنش متفاوت را نشان می‌دهد (لرنی، ۱۳۸۲: ۱۷). سالانه ۲ تا ۴ میلیون زن مورد خشونت قرار می‌گیرد. هر زن در طول عمر خود ۲۰ تا ۳۰ درصد احتمال دارد که در معرض خطر خشونت قرار گیرد. از بین افراد مسن، ۱/۸ میلیون نفر مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹). در اکثر کشورها بیش از ۲۰ درصد زنان در معرض عواقب منفی و غیرضروری ناشی از خشونت هستند. تا زمانی که از نظر فرد، امنیت در جامعه وجود نداشته باشد. پس احساس امنیت نیز نخواهد کرد. تا زمانی که زنان در

مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مکان‌های عمومی، خیابان و غیره احساس آرامش نداشته باشند، مسلماً امنیت نیز نخواهند داشت. پس نگرانی از تجاوز جنسی، آزار و اذیت در محیط کار، احساس خطر در رفت و آمد در سطح شهری و غیره، همگی می‌توانند در احساس امنیت اجتماعی زنان مؤثر واقع شوند. یکی از عمده‌ترین مشکلات و مسائل زنان کمبود امنیت است که این مسأله در ردیف اولین دغدغه‌های زنان قرار گرفته است و چه بسا این امر سبب محدودتر شدن فعالیت زنان در محیط‌های عمومی شده، حضور زنان در شهر را به عنوان یک شهروند فعال با مشکل مواجه می‌سازد (جهانگیری، ۱۳۹۳: ۴۴). عواملی که موجب تهدید، کاهش یا حذف امنیت در شهرها می‌شوند، بی‌شمارند و بعضی فضاهای شهری ظرفیت بالایی در تهدید امنیت شهرها دارند. به دلیل ازدحام و وسعت، فضاهای عمومی در تجاوز به فضای شخصی افراد و نقص امنیت آنها، همواره آمار بالایی دارند. زنان نیمی از جمعیت ساکن شهرها هستند و روند روزافزون حضور آنان در محیط‌های کار و فعالیت اجتماعی شهری سبب می‌شود تا در مکان‌یابی و طراحی و ساخت کالبد شهر، حضور گسترده این قشر در فضاها و عرصه‌های مختلف سکونت، کار، حمل و نقل و .... مورد توجه قرار گیرد، در عصر حاضر، محیط‌های نامطلوب شهری مشکلات بسیاری را برای امنیت شهروندان ایجاد کرده و در رشد آسیب‌های اجتماعی مؤثر بوده‌اند.

با گسترش این آسیب‌ها، امنیت رنگ می‌بازد و بر میزان جرم افزوده می‌شود، مردم در کنش‌های اجتماعی محتاطانه عمل می‌کنند و با هر اتفاقی، ترس و دلهره آنان دوچندان می‌شود و در نتیجه، احساس ناامنی می‌کنند. امنیت نداشتن زنان در فضاهای شهری، مشارکت کامل آنان را در اجتماع محدود می‌کند و علاوه بر آسیب‌های روانی بر فرد، خانواده و جامعه را نیز متأثر خواهد کرد (گلی، ۱۳۹۰: ۱۴۵). در این تحقیق در نظر داریم به بررسی نقش مهمترین عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر امنیت زنان و تأثیری که این عوامل در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری دارند، بپردازیم. در این تحقیق مهم‌ترین سؤال‌هایی که در پی رسیدن به جوابی مطلوب برای آنها هستیم، بدین قرار است:

۱. حجاب زنان بر امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری چه تأثیری دارد؟
۲. آرایش کردن زنان بر امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی چه تأثیری دارد؟
۳. شبکه روابط اجتماعی زنان بر امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی چه تأثیری دارد؟

۴. پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان بر امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی چه تأثیری دارد؟

۵. میزان دین‌داری زنان بر امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی چه تأثیری دارد؟

### فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین حجاب زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری رابطه معناداری وجود دارد؛

۳. به نظر می‌رسد بین آرایش کردن زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی رابطه معناداری وجود دارد؛

۴. به نظر می‌رسد بین شبکه روابط اجتماعی زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی رابطه معناداری وجود دارد؛

۵. به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی رابطه معناداری وجود دارد؛

۶. به نظر می‌رسد بین میزان دین‌داری زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی رابطه معناداری وجود دارد.

### اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق

نگاه به مسائل و آسیب‌های امنیتی می‌تواند از زوایای مختلفی صورت پذیرد که بخش عمده‌ی آن گریبان‌گیر زنان جامعه (که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند) می‌باشد. با اینکه تأمین امنیت اجتماعی در شمار مسئولیت حکومت‌های ملی است، از نقش عملکرد و رفتار فردی و حتی دیدگاه تک تک افراد جامعه درباره امنیت اجتماعی نمی‌توان غافل بود. با توجه به اینکه حجاب زنان یکی از ارکان اصلی نظام ارزشی جامعه ما محسوب می‌شود، نوع آن در بین زنان می‌تواند اهداف مهمی را در جامعه، چه در جنبه مثبت و چه در جنبه منفی آن رقم زند. از طرف دیگر، وضعیت ظاهری زنان می‌تواند زمینه‌ساز برخی هنجارشکنی‌ها و فرصت مناسبی برای تهدیدگران اجتماعی باشد. با توجه به اینکه عوامل فردی و اجتماعی مختلفی می‌تواند در ایجاد امنیت زنان در فضای شهری مؤثر باشد، توصیه می‌شود: با توجه به اینکه پوشش نامناسب و بدن‌نما تأثیر زیادی در عدم امنیت و آرامش زنان دارد، توصیه می‌شود زنان با وضعیت حجاب مناسب‌تری (حجاب ایرانی - اسلامی) در فضای شهری و عمومی حضور یابند؛ از آرایش

کردن غلیظ و وسوسه برانگیز خودداری کنند، تا بتوانند با خیالی آسوده‌تر در فضای شهری حضور یابند؛ از حضور در محیط‌های نامناسب شهری خودداری کنند.

زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و در سال‌های اخیر و مخصوصاً در کلان‌شهرها، حضور اجتماعی آنان، به صورت دنبال کردن تحصیلات عالی، اشتغال، مشارکت سیاسی و ... افزایش یافته است. از طرف دیگر، نتایج برخی از تحقیقات نشان دهنده این مسأله است که زنان از امنیت و یا احساس امنیت زیادی برخوردار نیستند (حسین‌زاده و ساده‌میری، ۱۳۹۰: ۴۸). در عصر حاضر، محیط‌های نامطلوب شهری مشکلات بسیاری را برای امنیت شهروندان ایجاد کرده و در رشد آسیب‌های اجتماعی مؤثر بوده‌اند. با گسترش این آسیب‌ها، امنیت رنگ می‌بازد و بر میزان جرم افزوده می‌شود، مردم در کنش‌های اجتماعی محتاطانه عمل می‌کنند و با هر اتفاقی، ترس و دلهره آنان دوچندان می‌شود و در نتیجه، احساس ناامنی می‌کنند. امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه‌ای مؤظف است در زمینه‌های شخصی، اقتصادی سیاسی و فضایی آن را برای جامعه و اعضای آن فراهم کند. امنیت نداشتن زنان در فضاهای شهری، مشارکت کامل آنان را در اجتماع محدود می‌کند و علاوه بر آسیب‌های روانی بر فرد، خانواده و جامعه را نیز متأثر خواهد کرد. امنیت اجتماعی با فضا و ساخت شهری ارتباط فضایی دارد. برنامه‌ریزان و طراحان شهری معتقدند شهرها برای اینکه ایمن باشند، باید برای همه گروه‌های سنی و جنسی ساخته شوند و در ساخت آنها تفاوت‌های سنی و جنسی مورد توجه قرار گیرد (گلی، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

### پیشینه تحقیق

ابتدا تحقیقاتی که در خارج به این موضوع پرداخته‌اند: براندا و همکاران نیز در پژوهش خود با عنوان « مکانی که زنان در آن احساس ناامنی می‌کنند، تصور از خطر و تأثیر آن در احساس قربانی شدن» در سنگاپور به دست آوردند، مکان‌هایی که برای جنبش و حرکت ظرفیت کمتری دارند، مستعد وقوع جرم هستند. همچنین با بزرگتر شدن فضا، افزایش حضور مردم و ایجاد الگوهای حرکتی توسط فضاهای خصوصی شده با مردمی که در آن حضور دارند، امنیت استفاده‌کننده‌گان از فضا افزایش خواهد یافت (براندا و همکاران، ۱۹۹۷). کاپر یولی (۲۰۰۴) در بحثی مناقشه‌انگیز عنوان می‌کند: غالباً فرض می‌شود که امنیت اجتماعی، مفهومی خنثی است و از لحاظ آزادی‌های سیاسی و حقوق

انسانی برای مردان و زنان یکسان برده می‌شود. به هر حال پیش‌فرض‌های مربوط به جنسیت خنثی، می‌تواند دارای سوءگیری باشند. او با استفاده از یک مطالعه بین‌المللی و تحلیل درازمدت، به این نتیجه می‌رسد که نه حقوق انسانی و نه دموکراسی، امنیت اجتماعی زنان را تضمین نمی‌کنند. ادن مورفیلد و همکاران (۲۰۰۷) در مقاله «از طلاق تا ازدواج مجدد» به بررسی میزان امنیت در میان زنانی که طلاق گرفته و مجدداً ازدواج کرده‌اند، می‌پردازند. نتایج حاکی از این است که این زنان چالش‌های متعددی، به خصوص چالش‌های اقتصادی را تجربه کرده‌اند که همین قضیه تبعاتی مثبت و منفی نیز داشته‌است. مشکلات اقتصادی مهمترین عاملی بوده است که امنیت زنان متأثر کرده است اما با این وصف، از آنجایی که تلاش کرده‌اند مسائل مالی را حل کنند، پس از ازدواج مجدد مشکلات مالی کمتری داشته‌اند و در نتیجه، میزان امنیت در میان آنها افزایش یافته است (جهانگیری، ۱۳۹۳: ۴۶). هیلر (۱۹۹۸) بر افزایش امنیت از طریق تحرک و جنبش در فضای شهری تأکید دارد. بنابراین، مکان‌هایی که برای جنبش و حرکت ظرفیت کمتری دارند، مستعد وقوع جرم هستند. همچنین با بزرگتر شدن فضا، افزایش حضور مردم و ایجاد الگوهای حرکتی توسط فضای خصوصی شده یا مردمی که در آن حضور دارند، امنیت استفاده‌کنندگان از فضا افزایش خواهند یافت. در تحقیق دیاس و همکاران (۲۰۰۷) در برزیل، نقش آرایش فضایی در ایجاد رفتارهای خاص استفاده‌کنندگان بررسی شد. نتایج تحقیق آنها نشان داد عوامل اجتماعی و فضایی با توجه به اثری که بر اجزای محیطی و شناخت قضایی محیط‌های باز شهری دارند، بر کمبود امنیت و افزایش جرم تأثیر گذارند (گلی، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

در داخل کشور کسانی بودند که به بررسی این موضوع پرداخته‌اند: تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در فضای عمومی شهری» (مطالعه موردی پارک ائل گلی تبریز) توسط بهنام قاسم زاده، عاطفه فتح بقالی، یاسمن رضانی‌مقدم در سال ۱۳۹۴ نوشته شده است. این تحقیق با هدف بررسی احساس امنیت زنان و عوامل اجتماعی و کالبدی مرتبط با آن در پارک ائل گلی تبریز انجام شد. روش انجام این تحقیق روش پیمایشی است که در آن از نمونه ۲۷۷ نفری از زنان بالای ۱۵ سال، مصاحبه شده‌است. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین عوامل فرم فضا، اطلاعات محیطی همراه‌کننده، نور، آلودگی محیطی، میزان دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی، کیفیت فعالیت‌ها و کاربری زمین پیرامون پارک و عوامل اجتماعی استفاده‌کنندگان از قبیل سن، شغل، تحصیلات با میزان احساس امنیت زنان رابطه

وجود دارد. دیگر اینکه بین فرم فضا، وجود اطلاعات محیطی گمراه‌کننده، نور، آلودگی محیطی، میزان دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی و کیفیت فعالیت‌ها و کاربری زمین و احساس امنیت زنان همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. ( قاسم زاده، ۱۳۹۴: ۹۷). طلعت در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر افزایش احساس امنیت زنان در پارک‌های شهر بجنورد»، به این نتیجه دست یافت که خصوصیات محیطی، تصور فرد از خود، اعتماد اجتماعی، تجارت قبلی، آگاهی‌های اجتماعی، محل سکونت، احساس کنترل، نظم اجتماعی، پایبندی اجتماعی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، ضمن داشتن رابطه معنادار به ترتیب بیشترین تأثیر را بر افزایش احساس امنیت زنان دارد (تازیکی، ۱۳۹۳: ). جمال محمدی و همکاران در تحقیق خود با عنوان « بررسی احساس امنیت زنان در مناطق شهری نمونه‌ی موردی مناطق ۵ و ۱۳ اصفهان» به دست آورد که بین شاخص‌های اجتماعی و کالبدی با میزان امنیت، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. یعنی هر چه این شاخص‌ها در حد بالاتری باشند، امنیت نیز افزایش پیدا می‌کند. مردم حضور پلیس و نیروی انتظامی را مهمترین عامل در ایجاد حس امنیت می‌دانند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲).

تحقیقی با عنوان « بررسی علل و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در فضای عمومی و خصوصی شهرستان ارومیه » توسط زهرا همت‌زاده انجام شده است. در این بررسی از نظریات منابع در دسترس و شبکه روابط اجتماعی استفاده شده و به این منظور تعداد ۳۳۰ پرسشنامه به روش پیمایشی و تحلیل شبکه در مناطق مختلف شهرستان ارومیه اجرا گردید و علاوه بر اطلاعات مربوط به پاسخگویان، اطلاعات مربوط به اعضای شبکه اجتماعی نیز جمع‌آوری شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که خشونت علیه زنان در فضای عمومی با خشونت علیه زنان در فضای خصوصی رابطه معنادار دارد. افزایش منابع در دسترس زنان، میزان خشونت علیه آنان در فضای عمومی را افزایش می‌دهد. امنیت ادراک شده در فضای عمومی و خصوصی، با میزان خشونت علیه زنان در فضای خصوصی و فضای عمومی رابطه معناداری و منفی وجود دارد و با افزایش امنیت ادراک شده، از میزان خشونت علیه زنان در فضای عمومی و خصوصی کاسته می‌شود (همت‌زاده، ۱۳۸۹: ۱).

تحقیقی در رابطه با بررسی تأثیر نگرش به پوشش بر میزان آزارهای جنسی در خیابان‌ها و وسایل نقلیه توسط آرزو فاطمی انجام شده است. روش انجام این تحقیق روشی پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل زنان گروه سنی ۱۸ تا ۱۹ ساله

شهر اصفهان در سال ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹ می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روشی تصادفی است. حجم نمونه ۱۲۷ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران به دست آمده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه است. بر این اساس، در رابطه همبستگی بین نگرش به پوشش و آزار جنسی، رابطه منفی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هرچه نگاه به پوشش مثبت‌تر (با حجاب‌تر) بوده است، میزان آزار جنسی تجربه شده نیز کمتر بوده است (فاطمی، ۱۳۸۹:).

## مبانی نظری تحقیق

### نظریه کارکردگرایی ساختاری

در این نظریه جامعه به عنوان شبکه سازمان‌یافته‌ای از گروه‌های در حال همکاری و تعاون تلقی می‌شود که به شیوه‌ای تقریباً منظم و منطبق بر مجموعه‌ای از قوانین و ارزش‌ها که بیشتر اعضاء در آن شریک‌اند، اطلاق می‌شود و به جامعه به عنوان سیستمی ثابت و در عین حال متمایل به سمت تعادل نگریسته می‌شود، سیستمی که به شکل متوازن و هماهنگ عمل می‌کند. در نظریه کارکردی که تالکوت پارسونز، کینگزلی دیویس و رابرت مرتن از مهم‌ترین نظریه پردازان آن می‌باشند، هر گروه یا نهاد کارکرد خاصی دارد، بنابراین سیستم در مجموع به بقای خود ادامه خواهد داد. به عنوان مثال مدرسه، کودکان را تربیت و کارگران و کارمندان آینده را تأمین می‌کند، آنها را برای چند ساعت از والدینشان جدا می‌کند و ضمن انجام کارکرد آموزشی، در بعضی از مواقع در کنار سایر کارها و فعالیت‌ها و به عنوان مثال برای انجام رویدادهای ورزشی، تماشاجی برای جامعه آماده می‌سازد. تغییرات اجتماعی، تعادل و ثبات جامعه را از هم می‌باشد و امنیت جامعه و افراد را به خطر می‌اندازد. اما پس از هر تغییر، جامعه به سرعت به تعادل جدیدی دست می‌یابد. ارزش و یا رویه‌ای که در زمان یا مکانی دارای کارکرد است، در جایی که در روند عملکرد متعادل جامعه اختلال ایجاد کند، ممکن است در مکان یا زمانی دیگر کارکرد خود را از دست بدهد. اگر تغییر اجتماعی خاصی، نوعی تعادل موزون و سازگار ایجاد کند، به آن تغییر به عنوان عاملی که دارای کارکرد مثبت است، نگاه می‌شود. اما اگر این تغییر باعث از بین رفتن تعادل و امنیت گردد، دارای کارکرد منفی است و اگر این تغییر هیچ نوع تأثیری نداشته باشد، بدون کارکرد است.



در یک نظام ممکن است احزاب سیاسی دارای کارکرد مثبت باشند و در مقابل اعمالی چون بمب‌گذاری، سوء قصد، و ترورهای سیاسی، دارای کارکرد منفی باشند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۰).

مکتب کارکردگرایی اشاره به نوعی ثبات یا تعادل می‌کند و از دگرگونی اجتماعی که موجب مخرب کردن نظم اجتماعی جامعه بوده، پرهیز کرده و به طور نسبتاً آرام از یک دگرگونی در بین اجزاء سیستم جهت تعادل و توازن نظم اجتماعی جامعه مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد. بر این اساس، در این مکتب، امنیت اجتماعی در هر سطحی و حتی احساس امنیت هم در جهت انسجام این پدیده با دیگر اجزای نظام اجتماعی، در راستای تولید نظم اجتماعی و کلی جامعه حفظ و بازتولید می‌شود، از این رو، در این دیدگاه فرض بر این است که جامعه به واسطه هماهنگی عناصر و اجزایش ارزش‌های مشترک تولید کرده و از طریق جامعه‌پذیری آنها امنیت لازم را کسب کرده است.

#### نظریه کنش متقابل اجتماعی

مکتب کنش متقابل نمادین با تاسی از اندیشه مید که فرد را در عرصه روابط اجتماعی با دیگران قرار می‌دهد و به درونی سازی جامعه می پردازد. در اندیشه مرکزی این مکتب تعیین وضعیت و شیوه های رسیدن به آن تاکید فراوانی شده است. به طور کلی امنیت اجتماعی از نظر نظریه پردازان کنش متقابل نمادی حاصل فرایند مستمر کنش متقابل بین اعضای جامعه بدست می آید، منظور از این کنش متقابل در این نظریه برای کسانی شکل می گیرد که در وضعیت امنیت اجتماعی قرار دارند و دیگران به آن ها عکس العمل نشان می دهد. بنابراین این دیدگاه با توجه به اینکه جامعه را سازمانی سیال و در حال تغییر و تحول داشته، به واسطه گفتگوی مستمر بین اعضایش به صورت دائم به وسیله نمادهای معناداری امنیت اجتماعی را تولید می کند. « در این مکتب مردم به بحث امنیت اجتماعی در جامعه یا همان دنیای اجتماعی معنا می دهند، و نسبت به آن معنی واکنش نشان می دهند. در واقع هسته اساسی این مکتب بحث خود می باشد که اکثر نظریه پردازان آن را به دو بخش ( فاعلی و مفعولی) تقسیم کرده اند. با توجه به اینکه بحث امنیت اجتماعی با مفهوم هویت پیوند خورده است. هویت می تواند به عنوان من فاعلی یا جنبه فردی هر شخص باشد که این مفهوم برای امنیت اجتماعی بسیار با اهمیت است. بخشی از مباحث امنیت اجتماعی که مرتبط با هویت فردی است در جریان اجتماعی شدن الگوهای رفتاری از راه تقلید انتقال و اشاعه می

یابد. و افراد به این شکل به هویت خود عمل می کنند. در مقابل هم من مفعولی که بیانگر تأثیر نیروهای خارجی بر شخص است. فرد در تعامل اجتماعی می آموزد که در موقعیت های خاص چون بحث امنیت اجتماعی تحت تأثیر همان ارزش ها و هنجارهای شکل گرفته در مورد هویتش رفتار متناسب را در خصوص تولید امنیت اجتماعی انجام دهد.» (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۱۹) بنابراین امنیت اجتماعی افراد در جامعه از یکسو متأثر از فرایند شکل گیری خود و هویت افراد و از سوی دیگر متأثر از تفسیر و وضعیت جامعه و جهان زیست اجتماعی با بهره گیری از نمادها در کنش متقابل افراد حاصل می گردد.

### نظریه روش شناسی مردم نگارانه

روش شناسی مردم نگارانه عبارت است از مجموعه ای از دانش مبتنی بر عقل سلیم و یک رشته رویه ها و ملاحظات که اعضای عادی جامعه، به وسیله آنها شرایطی را که در آن قرار گرفته اند، درک می کنند، راهشان را در این شرایط پیدا می کنند و دست به عمل می زنند (نراقی منش، ۱۳۹۴: ۶۱؛ ریتزر، ۱۳۸۹: ۳۲۶-۳۲۸). روش شناسان مردمی می خواهند بگویند که نظم اجتماعی هستی پیدا نمی کند، در این حال آنچه برای مطالعه باقی می ماند، روابط اجتماعی و ویژگی های طبیعی جهان اجتماعی است که به طور مستقیم زمینه عینی بررسی ها را تشکیل می دهد. اعتقاد روش شناسان مردمی بر این است که نظم و امنیت اجتماعی و ریشه و علل آن را، نه در قوانین و نظام های کلی حاکم بر جامعه؛ بلکه در کنش های عادی و روزمره مردم و در تصویری که از آن دارند، باید جست و جو کرد. چه مردم در روابط خود از شیوه های قابل فهم استفاده می کنند؛ توانایی کنش متقابل را پیدا کرده، آن را به کار می برند و هیچ نظم واقعی را که از پیش تعیین شده باشد (جز تصویری که از آن دارند)، در نظر نمی گیرند.

گارفینکل روش شناسی مردمی را به عنوان پاسخی به نظم اجتماعی ارائه داده است، پیش از او مکتب اندام گرایی با در نظر گرفتن نظم اجتماعی به عنوان تضمین کننده وحدت اجتماعی، راه حلی را ارائه کرده بود که گارفینکل به شیوه پارسونز آن را از نو مطرح کرد اما نامبرده، نظریه نظم را به نفع تحقیق در فرآیندی که به وسیله آن بی-نظمی از درون جریان زندگی اجتماعی روزمره ظاهر می شود، مردود اعلام کرد. در واقع، در دیدگاه روش شناسی مردمی، آنچه جامعه را به صورت یک مجموعه به هم پیوسته در می آورد، ارزش ها، هنجارها و مبادله نقش ها نیست؛ بلکه روش هایی است که مردم از طریق آنها فرض وجود نظم، امنیت و واقعیت اجتماعی را می پذیرند. به عبارت دیگر،

نظم به وسیله ذهنیت افراد شرکت کننده در تعامل، به وضعیت‌ها داده می‌شود و پدیده-ای عینی و خارجی نیست. نظم در بطن هر جریان اجتماعی نهفته است و امر خارجی و اجتماعی نیست (غلامعباس توسلی، ۱۳۹۰: ۴۴۴-۴۴۰). به نظر روش‌شناسی مردمی، فراهم آمدن امنیت اجتماعی همان انتساب مفاهیم به وقایع است و ما از طریق رویه‌ها و روش‌هایی که افراد یک جامعه به کار می‌برند، تا بتوانند بفهمند آنچه که اتفاق می‌افتد یا آنچه را او دارد، به ما می‌گوید، می‌فهمیم که در آن جامعه چگونه امنیت اجتماعی برقرار می‌شود. یعنی سؤال درباره‌ی چگونگی استقرار امنیت اجتماعی بر می‌گردد به اینکه چطور مردم کار ساده تشخیص پزشکان در راهروی بیمارستان را انجام می‌دهند یا آنچه را که مشاور روان‌درمان از آنها انجام آن را می‌خواهند، می‌فهمند یا در مقام عضو هیأت منصفه می‌فهمند که چطور درباره‌ی گناهکار بودن یا بی‌گناه بودن فردی را صادر کنند) بیات، ۱۳۸۸: ۹۷).

### نظریه فمینیستی

طبق دیدگاه فمینیست‌ها ادبیات امنیت، از منظر مردانگی نوشته شده‌است. در حالی که زنان قربانی اصلی خشونت و ناامنی اجتماعی هستند و به ندرت جایگاه و موقعیتی در مطالعات امنیتی دارند. با توجه به مباحث جنسیتی، می‌توان درک جدیدی از مباحث امنیت اجتماعی داشت «به نظر فمینیست‌ها ساختار جنسیتی ایجاد شده توسط جامعه، ساختارهای قدرت و سلطه است، از یک طرف ابزار توجیه خشونت علیه زنان و از طرفی دیگر، موجب ناامنی آنهاست. فمینیست‌ها معتقدند که مردسالاری، نه تنها به سرکوب زنان منتهی می‌گردد؛ بلکه ارزش‌ها و رفتارهایی را در مردان القاء می‌کند که خود، الگویی برای دیگر اشکال سرکوب هستند. همچنین، آنها مفهوم جنسیت را مورد انتقاد قرار می‌دهند. از نظر آنها، تجربه جنسیتی هر فرد بسته به عواملی چون؛ سن، نژاد، طبقه و تمایلات جنسی، متفاوت است. بنابراین، فمینیست‌های فرااثبات‌گرا، دیدگاه سایر فمینیست‌هایی را که نوعی مفهوم فمینیستی از امنیت می‌سازند که قابلیت کاربست عمومی را دارد، مردود می‌دانند. آنها معتقد هستند که تجربه مشترک سرکوب وجود ندارد و تنها می‌توان از تجربه‌های سرکوب سخن گفت.» (عسگری، ۱۳۸۲: ۳۶۹).

## چهارچوب نظری

### گیدنز<sup>۱</sup>

آنتونی گیدنز، در مورد امنیت تمرکز بر امنیت وجودی می‌کند. او در تعریف امنیت بیان می‌کند که «اعتماد و امنیت، خطر کردن و در معرض خطر قرار گرفتن چیزهایی هستند که به مناسبت‌های تاریخی مختلف در جامعه متجدد وجود داشته است و دارد. اعتماد و مخاطره امنیت و خطر، این ویژگی‌های دو قطبی و تعارض‌آمیز مدرنیت در همه جنبه‌های زندگی روزانه تأثیر می‌گذارد و بار دیگر در هم‌تنیدگی خارق‌العاده موقعیت محلی و جهانی را نشان می‌دهد» (نویسنده، ۱۳۸۸: ۳۳). به نظر او امنیت و اعتماد زمانی ضرورت پیدا می‌کند که ناشی از فاصله‌گیری روزافزون زمانی و فضایی در جامعه مدرن باشیم و دیگر اطلاع کاملی از پدیده‌های اجتماعی نداشته باشیم. بنابراین اعتماد عبارت است از «اطمینان قابل اعتماد بودن یک شخص یا یک نظام با توجه به مجموعه معینی از برون‌داده‌ها یا رویدادها؛ یعنی ایمان به صداقت یا عشق دیگری و یا درستی اصول انتزاعی (دانش فنی) اعتماد نه تنها در جامعه مدرن به معنای عام آن، بلکه در مورد ژتون‌های نمادین و نظام‌های تخصصی که در جهت برکندن زندگی در جهان مدرن عمل می‌کنند، نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. برای مثال اقتصاد پولی و نظام حقوقی در شرایطی می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند که افراد جامعه به آنها اعتماد داشته باشند.» (گیدنز، ۱۹۹۰: ۳۴ به نقل از ریتزر و همکار، ۱۳۹۰: ۶۳۱).

گیدنز تأکید بر این می‌کند که برای درک ضرورت توجه به امنیت، باید به سیمای مخاطره‌آمیز بودن جامعه مدرنیته به دقت توجه کرد، او این سیمای جهانی شدن مخاطرات نامیده است. این خطرات در سرتاسر جهان افراد را تحت تأثیر خود قرار داده است. مانند تقسیم کار جهانی این خطرات بر سرنوشت تمام افراد جهان اثرگذار است (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

گیدنز در بحث امنیت اشاره به مفهوم امنیت وجودی می‌کند، ضرورت این مفهوم برای مقاومت در مقابل هجوم گسترده و بی‌سابقه مخاطرات نهادهای مدرنیته است، بنابراین امنیت وجودی عبارت از «ایمن بودن؛ یعنی در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی، برای بعضی پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان طی عمر خود به نحوی مطرح کرده‌اند. به عبارت دیگر، این اصطلاح به

---

1. Giddens

اطمینانی برمی‌گردد که بیشتر آدم‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. او بیان می‌کند که ما برای زیستن و گذارندن عمر خود، معمولاً مسائل و موضوعاتی را مسلم قطعی می‌پنداریم که بر اساس قرن‌ها جستجو و تعمق متفکران و فیلسوفان در برابر نگاه‌های شکاکانه تاب نخواهد آورد و طراوت و اصالت خود را از دست خواهد داد. این‌گونه موضوع‌ها در برگزیده پرسش‌هایی هم خواهد بود که آنها را به طور اخص مسائل وجودی می‌نامد. اینها به طور معمول پرسش‌هایی هستند درباره زمان، فضا، پیوستگی و هویت. در حالت عادی، افراد پارامترهای وجودی فعالیت خود را مسلم و تضمین شده می‌انگارند، فعالیتی که به وسیله قراردادهای اجتماعی معینی که پذیرفته‌اند و رعایت می‌کنند، مورد تأیید و تقویت قرار می‌گیرد اما به هیچ وجه پابرجا و قطعی تلقی نمی‌شود. اندیشه امنیت وجودی از نزدیک به این خصیصه ضمن خودآگاهی عملی، به سرپوش‌گذاری‌های متصور از عملیات جاری زندگی روزمره به حساب آید، هرج و مرج در کمین نشسته است و این هرج و مرج، به معنای از هم پاشیدگی و بی‌نظمی بلکه به معنای از دست رفتن مفهوم واقعیت اصیل اشیا و دیگر اشخاص است» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۲-۶۱). با توجه به این امر، امنیت وجودی که حاصل اعتماد به تعاریفی از زندگی است که هویت و هستی انسان بر مبنای آن سامان می‌گیرد، امنیتی درونی و روانی است. به این ترتیب، بر اساس نظریات گیدنز می‌توان به نکاتی پیرامون امنیت دست یافت: «اول آن که امنیت به خودی خود قابل تعریف نیست و بر مبنای بود و نبود خطر قابل تعریف می‌شود، دوم آنکه امنیت یک فرآیند زمانی است که طی زمان شکل می‌گیرد و در هر لحظه بر اساس برآورد خطر تغییر می‌کند. سوم آن که وجه ذهنی و فکری امنیت در جهان مدرنیته بسیار مهمتر از وجه عینی امنیت است؛ زیرا بسیاری از خطرات به یمن تکنولوژی به کنترل درآمده‌اند و بسیاری خطرات جدید نیز مانند مخاطرات زیست‌محیطی یا جنگ هسته‌ای، قابل پیش‌بینی و کنترل نیستند. بنابراین آنچه در این گردونه مدرنیته، از دست انسان برمی‌آید، تضمین سلامت امنیت روحی و روانی‌اش است که با تشکیل هویت مطلوب در سایه امنیت وجودی میسر است. چهارم آن که گیدنز امنیت وجودی را به عنوان بعد اساسی امنیت در نظر می‌گیرد. امنیت وجودی که ضمن اطمینان به شناخت‌ها، هستی‌شناسی فرد را سامان می‌بخشد، پایه و بنیان وجود آدمی را در می‌نوردد و به اعتقاد گیدنز برخوردار از چنین امنیتی، تکیه‌گاه و بنیان سایر وجوه امنیت را تشکیل خواهد داد.» (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۱).

## مولار<sup>۱</sup>

همان‌طور که اشاره شد، بخشی از گفتمان حاکم بر امنیت اجتماعی وجه سلبی آن می‌باشد که ناشی از این مسأله است که شرایط فارغ بودن از ترس، خطر، زیان و صدمه را برای گروه‌های اجتماعی یا کلیه شهروندان یک نظام اجتماعی جهت برخوردار بودن از شرایط اطمینان‌خاطر و آرامش از سوی دولت یا حاکمیت، با توسل به زور و قدرت فراهم کرد. چنان‌که مولار بیان می‌کند، امنیت اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که جامعه تهدیدی در باب مؤلفه‌های هویتی خود احساس کند. « به نظر مولار امنیت اجتماعی مقوله‌ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر، در تأمین آن سهیم و شریک هستند و از این رو، به تدریج و همگام با غیر قابل تفکیک شدن دولت و جامعه از یکدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو مصداق پیدا می‌کند.

در حال حاضر با توجه به کاهش کنترل حکومت‌ها بر جوامع خود، ظهور جنبش‌های جدایی‌طلب، فراملی، افزایش روزافزون مهاجرت و جریان حرکت پناهندگان و چهارچوب‌های در حال تحول داخلی و خارجی، بررسی روابط دولت و مردم امری اجتناب‌ناپذیر است و تعریف گفتمان جدید امنیتی برای تنظیم روابط میان مردم و دولت‌ها در قالب گروه‌های اجتماعی ضروری می‌باشد. او در همین راستا مفهوم امنیت اجتماعی را بیان می‌کند. مولار تأکید دارد که امنیت اجتماعی را به عنوان یک مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی به کار برد و آن را عبارت می‌داند از قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی، برای تکامل الگوهی سنتی زبان، فرهنگ، انجمن‌ها، مذهب، هویت ملی و رسوم. بدین ترتیب امنیت جوامع آشکارا با امنیت سیاسی پیوند دارد اما مجزا از آن است. امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، نظام‌های دولت و ایدئولوژی‌هایی که به دولت‌ها و حکومت‌ها مشروعیت می‌بخشد، مربوط می‌شود اما امنیت اجتماعی به بقای گروه‌هایی توجه دارد که به جهت اشتراک اعضای آن در اندیشه، احساس و اعمال، کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند که از آن به عنوان هویت یاد می‌شود.» (بیات، ۱۳۸۸: ۸۴-۸۳). در جهان امروز، مرزهای دولت و جامعه به ندرت قرینه و منطبق بر هم هستند. بنابراین، کلید تقرب به جامعه ایده‌ها و کردارهایی است که افراد را به عنوان اعضای یک گروه اجتماعی معرفی می‌کند. جامعه شامل هویت و ذهنیت فردی اجتماعات و آن افرادی است که خود را به عنوان اعضای یک اجتماع یا جامعه خاص

---

۱. Moller

می‌شناسد. این امر باعث می‌شود که امنیت اجتماعی به عنوان امنیت جامعه یا گروه‌ها و جمع‌های شکل‌دهنده جامعه درک و فهم شود. مولار در پاسخ به اینکه امنیت برای چه کسی و در برابر چه چیزی؟ امنیت را به سه شکل امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت اجتماعی تقسیم می‌کند. «از نظر او در امنیت ملی، مرجع امنیت دولت است و تهدیداتی که حاکمیت و قلمرو سرزمینی آن را با خطر مواجه می‌سازد، تهدید امنیتی است. در امنیت انسانی، مرجع امنیت، فرد است و هر چیزی را نیز آن شکل از امنیت می‌داند که مرجع آن گروه‌های اجتماعی است» (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

## بوزان<sup>۱</sup>

باری بوزان در کتاب خود با عنوان مردم، دولت‌ها و هراس مطرح می‌کند: از آن جا که جامعه از افراد مختلفی که دارای منافع و مناسبات متفاوتی می‌باشند، تشکیل شده‌است، پس این افراد در جامعه خود به عنوان منبع ناامنی تلقی می‌شوند، به طوری که هر کس به دنبال تأمین منافع خود است اما به تدریج افراد در اثر آگاهی و پی بردن به تهدیدات و منافع ناامنی خود و برای حفظ خویش و دارایی‌شان، آماده واگذاری آزادی خود به مرجع مستقلی به نام دولت می‌گردند. به تدریج این وضعیت به صورت سازوکاری در می‌آید که از طریق آن مردم درصدد دستیابی به سطوح کافی از امنیت در مقابل تهدیدات جامعه می‌باشند. بر اساس این دیدگاه، هر چه یک جامعه دارای دولت و ساختار سیاسی قوی و قدرتمندی باشد، افراد برای تأمین امنیت خود به سازوکارها و ابزارهای اجتماعی متوسل می‌شوند، خانواده، ایل، سازمان‌های مذهبی و محلی در این گونه جوامع نقش مرکزی پاسخ‌گویی به نیازهای امنیتی فرد را بازی می‌کنند (آهنگران و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۶؛ بوزان، ۱۳۷۸: ۸۶). او امنیت اجتماعی را با توانمندی‌ها و ظرفیت‌های یک جامعه در جهت حراست و حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی شاخص‌سازی کرده‌است و از این نگاه، حراست از عناصر اصلی انسجام اجتماعی جامعه را شرط محقق امنیت برای بقاء و استمرار جامعه دانسته است.

بوزان بحث خود را در باب امنیت اجتماعی با بیان معنای ارگانیک‌نهی نهفته در این نظریه آغاز می‌نماید و بر این عقیده است که زمانی امنیت اجتماعی مطرح است که نیروهای بالقوه یا بالفعل، به عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد.

---

1. Buzan

امنیت اجتماعی از نظر بوزان، به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر، معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی را سامان می‌بخشد «بوزان بحث خود را با بیان ارگانیکی نهفته در این تئوری آغاز می‌کند و معتقد است امنیت اجتماعی به مقابله با خطراتی می‌پردازد که به صورت نیروهای بالقوه یا بالفعل هویت افراد جامعه را تهدید می‌کنند. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر، مربوط به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هویت اجتماعی او را سامان می‌بخشند؛ یعنی حوزه‌ای از حیات اجتماعی که فرد خود را ضمیر ما متعلق و منتسب می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند، مثل ما ایرانیان، ما زنان، ما مسلمانان، ما اعراب و غیره. حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماع محسوب می‌شود. بدین جهت است که بوزان مفهوم ارگانیکی امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویتی تلقی کرده است» (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۵).

بوزان منوعیت به کارگیری زبان، نام‌ها و لباس‌ها از طریق بستن مکان‌های آموزشی و دینی یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع را، از جمله عواملی می‌داند که امنیت اجتماعی را تهدید می‌نماید. در واقع آنچه باعث می‌گردد که گروه اجتماعی سامان گیرد، احساس وابستگی بالاست که میان اعضای گروه وجود دارد و به آنها کلیت یکپارچه‌ای می‌بخشد که مبنای تعریف اعضاء از هستی خویش خواهد بود و شناسایی دیگران به عنوان بیگانه و خارجی. « پس گروه اجتماعی آن کلیت خاصی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه و باورها، احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است و از آن به عنوان ما یاد می‌کنند، به طور مثال؛ ما مسلمان‌ها، ما زنان و... حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی قلمداد می‌گردد. بوزان عنصر بنیادی امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویتی تلقی می‌نماید. بوزان درک مفهوم امنیت اجتماعی به عنوان امنیت هویت تأکید و یک اشتباه مفهومی در باب کلمه Societal را یادآور شده است. به نظر او امنیت اجتماعی نباید با تأمین اجتماعی در نظر گرفته شود؛ زیرا تأمین اجتماعی درباره



افراد و به طور گسترده در اقتصاد مطرح است، اما امنیت اجتماعی درباره جمع‌های بشری و هویتشان می‌باشد و به سطح افراد و به طور خاص به پدیده‌های اقتصادی قابل تقلیل نیست؛ بلکه به سطح هویت‌های جمعی و کنش‌هایی که به منظور دفاع از هویت‌ها، با عنوان ما صورت می‌گیرد، نظر دارد.» (بیات، ۱۳۸۸: ۸۷-۸۶).

## میتار<sup>۱</sup>

میران میتار برای ارزیابی امنیت اجتماعی از مدل سیستماتیک استفاده می‌کند، در این مدل، تکیه بر نظریه آنارشیسمی کرده است. او در این مدل مسائل جامعه را بر اساس سطوح متفاوت فرد، گروه، سازمان، اجتماع، جامعه سیستم و فراملی تحلیل کند و از آنارشی (هرج و مرج) به جای تعادل به عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری حالات نظام استفاده می‌کند. «در تئوری آنارشی اجتماعی از شش متغیر کلان اجتماعی نام می‌برند که عبارتند از جمعیت، اطلاعات، فضاء، تکنولوژی سازمان، سطح کیفی زندگی. بنابراین می‌توان این چنین نتیجه‌گیری کرد که هر گروه اجتماعی اگر از میزان جمعیت، اطلاعات، فضاء یا سرزمین، تکنولوژی و سازماندهی بیشتر برخوردار باشد، از امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها که بهره کمتری از متغیرهای فوق دارند، برخوردار است. میتار با توجه به پایبندی‌اش به تئوری آنارشی اجتماعی بیلی و همچنین در راستای تکمیل آن، متغیری را وارد معادله امنیت اجتماعی می‌کند که از آن به عنوان متغیر انحراف نام می‌برد. متغیر انحراف شامل همه پدیده‌های اجتماعی و فردی ناخواسته و مضر است (مانند اشکال متنوع جرم، آسیب‌های اجتماعی، جنگ‌های داخلی و بین‌المللی و حوادث طبیعی و فنی متنوع)، بنابراین معادله جدید امنیت اجتماعی که توسط میتار ساخته می‌شود، عبارت خواهد بود:  $P, I, S, T, O, F =$  (همه پدیده‌های ناخواسته)  $+ D$  (کیفیت زندگی)  $L$ » (مک سویینی، ۱۳۹۰: ۷۲). موضوع مهم در تئوری میتار آن است که نظام اجتماعی به جای آن که با معیار تعدل و نظم قابل تحلیل باشد، از طریق آنتروپی تحلیل می‌شود، به گونه‌ای که با به حداقل رساندن آنتروپی می‌توان بر سطح امنیت اجتماعی تأثیر گذاشت، از جمله نمونه‌هایی که توسط این معادله قابل نتیجه‌گیری است که کاهش آنتروپی داخلی از خلال کاهش جرائم است. در نتیجه امنیت اجتماعی (با فرض ثابت بودن آنتروپی خارجی) افزایش می‌یابد.

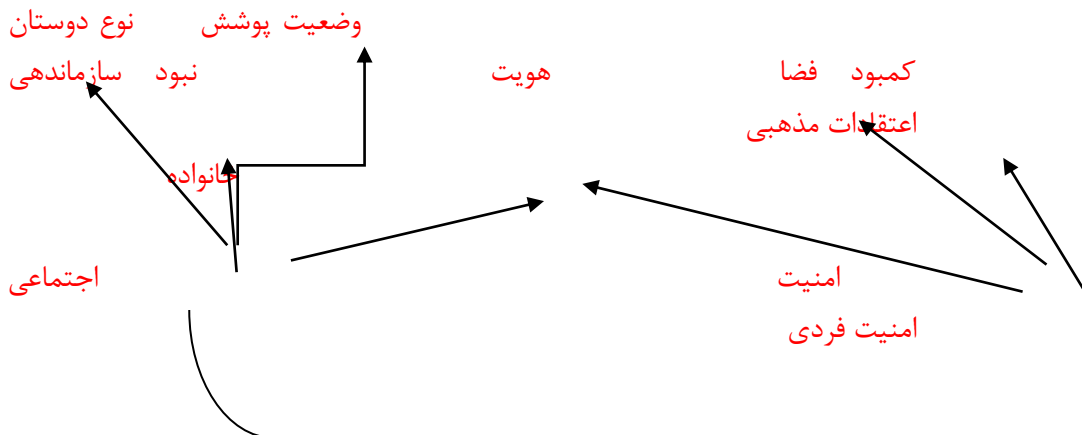
---

1. mitar

## رفیع پور

رفیع پور در کتاب توسعه و تضاد می نویسد: وجود جرم در جامعه سبب ایجاد ناامنی می - شود. هر چقدر میزان جرم و جنایت در یک محیط اجتماعی افزایش یابد، به همان نسبت احساس امنیت اجتماعی کاهش می یابد، پس از یک سو محیط اجتماعی با میزان جرائم در ارتباط است و از سوی دیگر، میزان جرم رابطه مستقیمی با احساس ناامنی دارد. به این ترتیب در وضعیت عادی، همواره میزانی از آنارسی در شرایط زندگی افراد حاکم است اما در صورتی که کنترل بیرونی (از طریق پلیس و نیروی انتظامی) افزایش یابد، احتمال جرم در فرد کاهش می یابد و همین امر موجب کاهش جرائم و به تبع آن افزایش امنیت اجتماعی خواهد شد. بنابراین سازوکار کنترل بیرونی باید دو کارکرد داشته باشد: ۱. میزان مجازات برای یک کار خلاف برای شخص خاطی پرهزینه باشد؛ ۲. احتمال کشف خلاف در زمان اجرا و یا بعد از آن (حضور نیروهای کنترل کننده) باید بسیار زیاد باشد. وجود این دو عامل سبب می شود تا میزان جرائم کاهش و به تبع آن امنیت اجتماعی در سطح جامعه افزایش یابد (رفیع پور، ۱۳۸۴: ۲۹۷).

## مدل نظری تحقیق





روش تحقیق: روش تحقیق حاضر روشی پیمایشی است. از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری مورد نظر ما در این تحقیق زنان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر یاسوج می‌باشد. تعداد جامعه آماری بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، به تعداد ۴۹۲۳۷ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است. تعداد نمونه ما در این تحقیق ۲۰۰ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران این تعداد را به دست آوردیم. با توجه به نتایج آزمون کرونباخ در تحقیق حاضر، اعتبار ۸۱/۶ درصد می‌باشد که از اعتبار بالایی برخوردار است.

جدول شماره (۱) سن پاسخ‌گویان

سن				
	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
ساله 15 - 19	۲۸	14.0	14.0	14.0
ساله 20-24	۴۰	20.0	20.0	34.0
ساله 25-29	۴۷	13.0	13.0	47.0
ساله 30-34	28	14.0	14.0	61.0
ساله 35-39	33	16.0	16.0	78.0
ساله 40-44	12	6.0	6.0	84.0
ساله 45-49	16	8.0	8.0	92.0
ساله 50- 54	16	8.0	8.0	100.0
ساله 55-59	200	100.0	100.0	
ساله 60 - 64				
جمع کل				

طبق جدول بالا، ۱۴،۰ پاسخگویان در گروه سنی ۱۵ - ۱۹ ساله، ۲۰،۰ درصد گروه سنی ۲۰ - ۲۴ ساله، ۱۳،۰ درصد گروه سنی ۲۵ - ۲۹ ساله، ۱۴،۰ درصد گروه سنی ۳۰ - ۳۴ ساله، ۱۶،۰ درصد گروه سنی ۳۵ - ۳۹ ساله، ۶،۰ درصد گروه سنی ۴۰ -

۴۴ ساله، ۸،۰ درصد گروه سنی ۴۵ - ۴۹ ساله، ۸،۰ درصد گروه سنی ۵۰ ساله و بالاتر قرار دارند.

### جدول شماره (۲) وضعیت تأهل

وضعیت تأهل					
		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
	مجرد	75	37.0	37.0	37.0
	متاهل	90	45.0	45.0	82.0
	قبلاً ازدواج کرده	35	17.0	17.0	100.0
	جمع	200	100.0	100.0	

طبق جدول بالا، ۳۷،۰ درصد پاسخگویان مجرد، ۴۵،۰ درصد متاهل، و ۱۷،۰ درصد قبلاً ازدواج کرده‌اند. که بیشتر پاسخگویان متاهل هستند

### جدول شماره (۳) سطح تحصیلات

میزان تحصیلات					
		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
	دیپلم و پایینتر	30	15.0	15.0	15.0
	کاردانی	64	32.0	32.0	47.0
	کارشناسی	40	20.0	20.0	67.0
	کارشناسی ارشد	40	20.0	20.0	87.0
	دکتری و بالاتر	26	13.0	13.0	100.0
	جمع	200	100.0	100.0	

بر اساس اطلاعات جدول بالا، ۱۵،۰ درصد پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر، ۳۲،۰ درصد کاردانی، ۲۰،۰ درصد کارشناسی، ۲۰،۰ درصد کارشناسی ارشد و ۱۳،۰ درصد دارای مدرک تحصیلی دکتری و بالاتر هستند.

جدول شماره (۴) وضعیت شغلی

شغل				
	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
شاغل	91	45.0	45.0	45.0
بیکار	109	54.0	54.0	100.0
جمع	200	100.0	100.0	

بر اساس جدول فوق ۴۵,۰ درصد پاسخ‌گویان شاغل و ۵۴,۰ درصد بیکار هستند.

جدول شماره (۵) میزان درآمد

درآمد				
	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
کمتر از ۴۹۹ هزار	37	18.0	18.0	18.0
از ۵۰۰ تا ۹۹۹ هزار	50	25.0	25.0	43.0
از یک میلیون تا ۱,۴۹۹ هزار	50	25.0	25.0	68.0
از ۱,۵۰۰ تا ۱,۹۹۹ هزار	39	19.0	19.0	88.0
دو میلیون و بالاتر	24	12.0	12.0	100.0
جمع	200	100.0	100.0	

جدول بالا نشان می‌دهد که ۱۸,۰ درصد پاسخ‌گویان درآمدی کمتر از ۴۹۹ هزار تومان دارند، ۲۵,۰ درصد بین ۵۰۰ تا ۹۹۹ هزار تومان، ۲۵,۰ درصد از یک میلیون تا ۱,۴۹۹ هزار تومان، ۱۹,۰ درصد ۱,۵۰۰ تا ۱,۹۹۹ هزار تومان و ۱۲,۰ درصد درآمدشان دو میلیون و بیشتر می‌باشد.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین حجاب زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۶) حجاب

متغیر وابسته						متغیر مستقل
امنیت فردی و اجتماعی						
Df	F	Sig	ضریب همبستگی	T	انحراف استاندارد	حجاب زنان
۵۴	۲,۱۲۰	۰,۰۰	.۴۹۶	۳,۴۵۱	۰,۸۳	

با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) که کوچکتر از آلفای (۰/۰۰۵) می‌باشد و نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین حجاب زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری وجود دارد و فرضیه تأیید می‌گردد. با توجه به جهت آزمون هرچه زنان با حجاب‌تر باشند، به تبع آن امنیت آنان هم افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین آرایش کردن زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۷) آرایش کردن زنان

متغیر وابسته						متغیر مستقل
امنیت فردی و اجتماعی						
Df	F	Sig	ضریب همبستگی	T	انحراف استاندارد	آرایش کردن زنان
۶۲	۴,۰۸۰	۰,۰۱	.۵۶۱	۲,۷۸۰	۰,۷۸	

با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) که کوچکتر از آلفای (۰/۰۰۵) می‌باشد و نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین آرایش کردن زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری وجود دارد و فرضیه تأیید می‌گردد. با توجه به جهت آزمون، آرایش کردن زنان تأثیری منفی بر امنیت آنان دارد. یعنی هرچه زنان بیشتر خودشان را آرایش کنند، به همان میزان امنیت آنان در فضای عمومی کمتر می‌شود.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین شبکه روابط اجتماعی زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۸) روابط اجتماعی

متغیر وابسته						متغیر مستقل
امنیت فردی و اجتماعی						
Df	F	Sig	ضریب همبستگی	T	انحراف استاندارد	شبهه روابط اجتماعی
۵۸	۲,۱۰۱	۰,۰۰۰	.۴۴۲	۲,۲۲۲	۰,۷۵	

با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) که کوچکتر از آلفای (۰/۰۰۵) می‌باشد و نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین شبکه روابط اجتماعی زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری وجود دارد و فرضیه تأیید می‌گردد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۹) پایگاه اقتصادی اجتماعی

متغیر وابسته						متغیر مستقل
امنیت فردی و اجتماعی						
Df	F	Sig	ضریب همبستگی	T	انحراف استاندارد	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۴۸	۲,۲۵۰	۰,۰۰۰	.۵۲۳	۲,۷۹۰	۰,۸۰	

توجه به سطح معناداری بدست آمده (۰/۰۰۰) که کوچکتر از آلفای (۰/۰۰۵) می‌باشد و نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین پایگاه اجتماعی اقتصادی زنان و امنیت آنان رابطه وجود دارد و فرضیه تأیید می‌گردد.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین میزان دینداری زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۱۰) میزان دینداری

متغیر وابسته						متغیر مستقل
امنیت فردی و اجتماعی						
Df	F	Sig	ضریب همبستگی	T	انحراف استاندارد	میزان دینداری زنان
۶۰	۴,۰۱۰	۰,۰۰۰	.۴۵۱	۴,۴۰۰	۰,۸۴	

با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) که کوچکتر از آلفای (۰/۰۰۵) می‌باشد و نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین میزان دینداری زنان و امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری وجود دارد و فرضیه تأیید می‌گردد.

## رگرسیون

تحلیل رگرسیون یک روش تحلیل داده‌هاست که در آن ارتباط میان متغیرها به شکل معادله‌ای که آن را معادله رگرسیون می‌نامند، نشان داده می‌شود که فرمول آن  $Y=f(X)$  است. این فرمول به این صورت خوانده می‌شود « $Y$  تابعی است از  $X$ »، یعنی مقادیر  $Y$  را می‌توان برحسب تغییرات مقادیر  $X$  بیان کرد. به عبارت دیگر، می‌توانیم بگوییم که  $X$  باعث به وجود آمدن  $Y$  می‌شود. «تحلیل رگرسیون» روش تعیین تابع مشخصی است که  $Y$  را به  $X$  مربوط می‌سازد. برحسب میزان پیچیدگی رابطه تحت بررسی، تحلیل رگرسیون انواع مختلفی دارد. از جمله، رگرسیون همزمان (ببی، ۱۳۹۰: ۹۹۲).

رگرسیون همزمان در این روش کلیه متغیرها به صورت همزمان وارد مدل می‌شوند تا تأثیر کلیه متغیرهای مهم و غیر مهم بر متغیر وابسته مشخص گردد. در واقع، در این روش، تمامی متغیرها در یک مرحله به ترتیب حداقل مقدار تولرانس وارد تحلیل می‌شوند. (حبیب‌پور، ۱۳۸۸: ۴۸۰)

## نتایج رگرسیون همزمان

نتایج نشان داده که در مجموع متغیرهای مستقل وارد شده به رگرسیون (حجاب، آرایش کردن، شبکه روابط اجتماعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، میزان دینداری) ۷۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته امنیت زنان را تبیین و پیش‌بینی می‌نمایند.



جدول شماره (۱۱) ضریب رگرسیون

R <sup>2</sup>	R	Df	sig	F	Sig	T	ضرایب		ضرایب تسه	
							استاندارد شده	خطای معیار		
٪۹۰	٪۱۵۱	۵	.. / .	۲۸/۰۰	۰.۰۰	٪۱/۲۲۴		٪۲۲۱	/۴۲۹	تابت
					۰.۰۰		٪۰۹۰	٪۰۳۰	/۰۴۱	حجاب
					٪۰/۰۰	۲.۵۶۲	٪۰۳۰۰	٪۰۵۹	/۲۵۴	آرایش کردن
					٪۰۰۱	۲.۵۲۱	٪۲۶۲	٪۰۶۳	/۲۷۰	شبکه روابط اجتماعی
					٪۰/۰۰	۴.۳۲۵	٪۱۲۲	٪۰۶۰	/۳۵۱	پایگاه اقتصادی اجتماعی
					۰.۰۱	٪۷۶۸	٪۰۹۰	٪۰۵۷	/۲۳۷	میزان دینداری

## نتیجه‌گیری

اگر جامعه‌ای خواهان ابقای خود است، باید نیازهای اساسی و اجتماعی معینی را برآورده کند. شیوه‌ی برآوردن این نیازها بر عهده‌ی نهادهای اجتماعی است. از جمله گروه‌هایی که شهر در رسیدگی به حقوقشان اجحاف داشته است، زنان اند و باید برای زنان به دنبال ایجاد فضاهای ویژه‌ی آنها بود. رسیدگی به نظم، امنیت پارک‌ها و فضاهای شهری که به ویژه بانوان از آنها استفاده می‌کنند، می‌تواند گامی مؤثر در مهیا کردن زمینه برای مشارکت هر چه بیشتر زنان در جامعه باشد.

در نتیجه مطالعات جرم‌شناسی به حقایقی می‌رسیم که ارتباط مستقیمی با این علم به مفهوم خاص آن ندارد: تا زمانی که زنان به شأن وجودی خود به عنوان «مادر» پی نبرده‌اند، پیشگیری از روابط جنسی نامشروع که آن را عنوان بخشی از حقوق خویش تلقی می‌نمایند، با دشواری روبه‌رو می‌شود. رابطه‌ای که برای مرد هیچ‌گونه تعهدی از حیث همسررداری، تعلق خانوادگی و پایداری روابط ایجاد نکند، در هر مورد امکان دارد به خشونت جنسی بدل شده، آثار ناگواری را از حیث روانی، جسمی و قوای جنسی برای سراسر دوران زندگی زنان به همراه داشته باشد. باید قبول کرد که اعتقاد به رابطه جنسی با هر کس و در هر شرایط، بیش از اینکه آزادی و انتخاب باشد، بزه‌پذیری و نقض حقوق بشر خویشتن است. همین واقعه تلخ، امروزه تمام جهان سوم را درگیر ساخته و تقلید از ظواهر غرب، بهانه‌ای برای خودفروشی شده است (السان، بیتا: ۱۶۰).

پژوهش حاضر در مورد بررسی نقش عوامل فردی و اجتماعی زنان در امنیت آنان در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری می‌باشد. در لابه لای این پژوهش، به این نتیجه رسیدیم که عوامل فردی و اجتماعی متعددی می‌تواند امنیت زنان را در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری به خطر بیندازد. در بین این عوامل، در این تحقیق چند عامل فردی و اجتماعی را که امنیت زنان را در مقابل آزارهای جنسی در فضای شهری به خطر می‌اندازد، مورد بررسی قرار دادیم. عوامل که در این تحقیق با عنوان فرضیه‌های فرعی از آنها نام برده شده است، به این ترتیب هستند: عامل حجاب زنان، آرایش کردن و میزان دینداری به عنوان عامل فردی و شبکه روابط اجتماعی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی به عنوان عوامل اجتماعی که امنیت زنان را در فضای شهری به خطر می‌اندازد، استفاده شده است. بر اساس تجزیه و تحلیل به دست آمده از داده‌ها، چهار فرضیه‌ای که در این تحقیق به عنوان فرضیه‌های فرعی از آن استفاده شده است با

میزان همبستگی متفاوت مورد تأیید قرار گرفتند: فرضیه اول حجاب زنان بود که با ضریب همبستگی ۴۹,۶ درصد مورد تأیید واقع شد که نشان داد حجاب زنان تأثیر زیادی در امنیت آنان دارد. بنابراین زنان می‌توانند با پوشش اسلامی - ایرانی مطابق فرهنگ و ارزش‌های جامعه خود، میزان امنیت فردی خود را افزایش دهند. فرضیه دوم: آرایش کردن زنان بود که با میزان همبستگی بالایی (۵۶,۱) مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین بیشترین تأثیر را آرایش کردن زنان در امنیت آنان دارد. از این رو زنان با کنترل آرایش خود، میزان امنیت خود را افزایش دهند. چنان‌چه جامعه‌شناسان نیز معتقدند آرایش کردن دیگر خواسته‌ای فردی نیست؛ بلکه با افزایش روند روبه رشد آن در بین دختران و زنان جوان، تبدیل به خواستی اجتماعی شده است. همچنین طبق نظر بسیاری از جوانان، زیبایی اولین ملاک انتخاب همسر در ایران امروز است. پس آرایش کردن و زیباتر جلوه دادن روی و موی، امروزه امری اجتناب‌ناپذیر شده است، اما افراط و زیاده‌روی در این امر، موجب به خطر افتادن امنیت زنان می‌شود. فرضیه سوم این تحقیق شبکه روابط اجتماعی زنان می‌باشد که با ضریب همبستگی ۴۴,۲ درصد مورد تأیید قرار گرفته و نتایج نشان داد که این شبکه روابط اجتماعی می‌تواند امنیت زنان را به مخاطره بیندازد. چنان‌چه گرفتن دوستان ناباب می‌تواند آرامش و امنیت را از انسان‌ها سلب کند. فرضیه چهارم پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان می‌باشد که با ضریب همبستگی ۵۲,۳ مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش این فرضیه، از سه سؤال وضعیت شغلی، میزان درآمد و میزان تحصیلات استفاده شده است. ثروت امروزه یکی از مؤلفه‌های اساسی برای اشخاص و نمایش خود در جامعه محسوب می‌شود. به همین اندازه افراد ثروتمند و طبقات متوسط رو به بالای اقتصادی در جامعه، احتمالی که هر لحظه امنیت آنان به خطر بیفتد، وجود دارد. فرضیه آخر میزان دینداری زنان می‌باشد که با ضریب (۴۵,۱) درصد) مورد تأیید قرار گرفت. طبق مطالعات پژوهشگران میزان دینداری زنان بیشتر از مردان هست و زنان مذهبی‌تر از مردان هستند که دلیل مذهبی بودن زنان را ترس و احساس ناامنی اعلام کرده‌اند.

## منابع

- ۱- آهنگران، رسول، مسلم نراقی‌منش، حسنعلی پورسلیمانی، محمد تیموری، جواد، (۱۳۹۳)، «تأثیر پایبندی به ارزش‌های دینی بر امنیت اجتماعی مطالعه موردی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه ناحیه چهار شهرستان قم»، فصلنامه دانش انتظامی قم، سال اول، شماره سوم، زمستان، صص ۱۱۴-۱۴۳؛
- ۲- آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سروش، چاپ ششم؛
- ۳- اکبری، رضا و سمانه پاک بنیان، (۱۳۹۱)، «تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان (مطالعه موردی محله نارمک و شهرک اکباتان شهر تهران)»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۲، تابستان، صص ۵۳-۶۴؛
- ۴- ببی، ارل، (۱۳۹۰)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، رضا فاضل، جلد دوم، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم اسلامی، چاپ هفتم؛
- ۵- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی؛
- ۶- بیات، بهرام، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی احساس امنیت، تهران: انتشارات امیرکبیر؛
- ۷- تازیکی، طلعت، (۱۳۹۳)، «عوامل مؤثر بر افزایش احساس امنیت زنان در پارک‌های شهر بجنورد»، دانش انتظامی خراسان شمالی، سال یکم. شماره یکم. بهار؛
- ۸- تأمین، ملوین، (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌ها، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا، چاپ سوم؛
- ۹- توسلی، غلامعباس، (۱۳۹۰)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ هفدهم؛
- ۱۰- جهانگیری، جهانگیر و ابراهیم مساوات، (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان»، پژوهش راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره دوم، شماره پیاپی شش، شماره دوم، پاییز و زمستان؛
- ۱۱- حسین زاده، علی حسین و زهرا ساده میری، (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی بر احساس امنیت (مطالعه موردی شهروندان ایلام)»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۵، شماره ۱۵، صص ۲۷-۵۴؛
- ۱۲- حبیب‌پور، کرم و رضا صفری، (۱۳۸۸)، راهنمای جامع کاربرد اس پی اس اس در تحقیقات پیمایشی، تهران: لویه، چاپ پنجم؛
- ۱۳- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۸۴)، توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم؛
- ۱۴- ریتزر، جرج و جی داگلاس گودمن، (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان؛
- ۱۵- ریتزر، جورج، (۱۳۸۹)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ پانزدهم؛

- ۱۶- عسگری، محمود، (۱۳۸۲)، رهیافت‌های شناخت‌شناسی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره دوم، صص ۴۰۳-۳۸۳؛
- ۱۷- غفاری، غلامرضا، (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان؛
- ۱۸- قاسم‌زاده، بهنام، عاطفه فتح بقالی، یاسمن رضائی مقدم، (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضای عمومی شهری» (مطالعه موردی پارک ائل گل تبریز)، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال هجدهم، شماره ۶۹، صص ۹۷-۱۳۶؛
- ۱۹- گلی، علی، (۱۳۹۲)، «زنان و امنیت در فضای عمومی و شهری» (مطالعه موردی پارک آزادی شیراز)، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان؛
- ۲۰- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، تجد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی؛
- ۲۱- لرنی، منوچهر، (۱۳۸۲)، امنیت ملی و دفاع از ارزش‌ها، چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا؛
- ۲۲- لطفی، صدیقه، رحیم بردی آنامراد نژاد و محمد ساسانی‌پور، (۱۳۹۳)، «بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی» (مطالعه موردی کلان‌شهر شیراز)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان؛
- ۲۳- محمدی، جمال و مریم مرادی، (۱۳۹۲)، «بررسی احساس امنیت زنان در مناطق شهری، نمونه مورد بررسی مناطق ۵ و ۱۳ اصفهان»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۹؛
- ۲۴- مک سویینی، بیل، (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی امنیت، ترجمه محمد علی قاسمی و محمدرضا آهنی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛
- ۲۵- میرزایی، محمد، زهرا عبداللهی و خلیل کمربگی، (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، مورد مطالعه زنان شهر ایلام»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، صص ۷۹-۱۰۸؛
- ۲۶- نراقی‌منش، مسلم، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر آموزه‌های شیعی بر همبستگی و انسجام اجتماعی، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های (دولتی، آزاد و پیام نور) شهر یاسوج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه قم؛
- ۲۷- نویدنیا، منیژه، (۱۳۸۲)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول، صص ۷۶-۵۵؛
- ۲۸- همت‌زاده، زهرا، (۱۳۸۹)، بررسی علل و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در فضای خصوصی و عمومی شهرستان ارومیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.